

پایان سوره الغراب نویسنده محمود مسعودی _ 03

ناصر زراعتی naser zeraati

mettre à jour: 2023-07-03



Description

معرفی و نقد کتاب

«رمان "سورة الغراب" حادثه‌ای مهم و قابل ملاحظه در زمینه رمان مدرن فارسی است.» این نخستین عبارت از نقد و بررسی مفصلی است که #پرتو_نوری_علا بر اثر محمود مسعودی نوشته است. #حورا_یاوری، یکی دیگر از منتقدان سرشناس خارج از کشور، "سورة الغراب" را «در شمار داستان‌هایی از قبیل بوف کور» قرار می‌دهد. نقدهای تحسین‌آمیز دیگری نیز درباره‌ی این کتاب منتشر شده است. این رمان در "نشریه زمان نو" شماره ۱۳ در فرانسه در سال ۱۳۶۷ شمسی انتشار یافت. سورة بقره: "اگر از آنچه بر بنده خویش نازل کرده‌ایم به‌شک اندرید، سوره‌ای مانند آن بیارید." (به نقل از آغاز رمان) به بخشهایی از نقد این رمان به قلم پرتو نوری علا با عنوان «شعور شک در برابر حماقت یقین» توجه به‌فرمایید. (نقد برگزیده از طرف هیأت داوران مسابقه ادبی نشر باران در سوئد، سال ۱۹۹۴ "در رابطه با مضمون شعر «مہتاب» رمان «سورة الغراب» در بُعدی بسیار گسترده و وسیع و با خلق لحظاتی بدیع و شگفت‌انگیز، آفریده می‌شود و محمود مسعودی موفق می‌گردد تا به‌جای برداشتی ساده از واقعیت، عرصه‌ای از امکانات بشری را مطرح سازد و خواننده را در شناخت خود و هستی‌اش به‌تردید و تأمل وادارد. عرصه‌ای که غفلت‌ها، یکسونگری‌ها، کژخویی‌ها، ساده‌دلی‌ها و دویی و بیگانگی آدمی را نمایش می‌دهد و پرتوی آن بر هزارتوی تاریک و پنهان مانده روح و جانمان می‌تابد. رمان «سورة الغراب» از همان جملات نخستین (یا آخرین) خواننده را وادار به تأمل می‌کند. حس می‌کنیم چیزی را عوضی فهمیده‌ایم. مجبور می‌شویم قسمت‌های خوانده شده را دوباره بخوانیم. باید شش دانگ حواسمان را جمع کنیم. از دست دادن هر جزء به‌منزله از دست دادن بخشی از این عرصه گسترده است. خواننده‌ای که خو کرده است تا رمان را در نقل حوادثی متوالی، زمانی خطی، روابطی علی، شخصیت‌هایی معین و از پیش تعیین شده و وقایعی شناخته شده یا قابل حس و رؤیت بشناسد، در خواندن این رمان دچار سردرگمی می‌شود و همین خود، آغاز ماجراست. «سورة الغراب» بی‌آغاز و بی‌پایان، در برابر یقین آمده است. شک در همه اعتقادات جزمی زمینی و آسمانی. نزول «سورة»‌ای که به‌شک و پرسش و نفی

می‌نشیند. «سورة الغراب» خوابی است در بیداری یا واقعیتی است در رؤیا. رؤیا- واقعیتی که در «شهر سوره کلاغ» رخ می‌دهد. شهری که «تدریجاً» به قبری خراب و از یاد رفته تبدیل می‌شود. «سورة الغراب» جهانی است که در رؤیا- واقعیت ما محقق می‌شود. جهانی که مردمانش از ترس به‌دروغ پناه می‌برند، از دروغ به‌یقین می‌رسند و در تبعیتی همگانی «گرفتار ضرب المثل‌ها و تک بیت های فتوی دهنده پدرانشان» در شهری سیاه‌پوش جنازه‌ای را- شاید جنازه آمال و آرزوهای خود را- مشایعت می‌کنند. محمود مسعودی با اطلاع از عناصر و کیفیت داستان‌های تمثیلی (شیوه‌ای ادبی که مقصود در قالب آن نه بطور مستقیم که در هیأت پرندگان، اشخاص و چیزهایی بیان می‌شود که وقوعشان در عالم محسوس ناممکن است)، با آگاهی از چگونگی کارکرد خواب و رؤیا به‌تعبیر روانشناسی جدید (زمینه‌ای که محل بروز و شناخت تجربه‌های روحی و عینی واپس زده، تمایلات سرکوب گشته و گاه کشف و شهود است)، با اعتقاد به‌آسیب‌پذیری حقایق، با برهم زدن مرز مشخص میان واقعیت و رؤیا، و با استفاده از شیوه آزاد انتخاب فرم و نگارش، هستی ما را به‌بستر ادبیات می‌کشاند و در عین آفرینش رمانی موفق و استثنایی، اثری سیاسی- فلسفی به وجود می‌آورد. او ما را با همه ضعف‌ها و قدرت‌هایمان، با همه جدال‌های درونی‌مان و با همه اشتباهاتی که می‌توانیم در نگاه دیگری، بنشانیم، تصویر می‌کند. رمان «سورة الغراب»، از زبانی موجز، گویا و سالم برخوردار است. شیوه بیان، نسبت به‌هریک از ثمة داستان شکلی متفاوت به‌خود می‌گیرد. گاه نثری پُر تصویر و تخیلی شاعرانه است و گاه طنزی تلخ و سیاه. گاه روایتی ساده و صمیمی است و گاه زبانی خبری، رسمی و خشک. گاه زبان طرح است و گاه زبان ایماژ. گاه زبانی تمثیلی است و گاه زبانی صریح. در همه اشکال، زبان «سورة الغراب» اسبابی خنثی نیست که تنها برای ایجاد ارتباط و القاء مفهوم و منظوری به‌کار رفته باشد بلکه جزء ذاتی و درونی محتوای رمان است، جزیی است که به‌عنوان بخشی از وقایع و تصاویر، با ابعادی متفاوت، ظاهر می‌شود و به‌همراه دیگر اجزاء و عناصر این رمان، به‌کشف هستی آدمی می‌پردازد. گرچه محمود مسعودی در «سورة الغراب»، مضمونی جهانی و بشری را ارائه می‌دهد و به‌اثرش کلیتی تام و تمام می‌بخشد، اما آگاهی دقیق او از خُلقیات، افکار، باورها، مذهب، سیاست و کلاً فرهنگ مردم ایران از یکسو و استفاده از روح زبان فارسی و طرز تفکر ایرانی از سوی دیگر، سبب شده است تا «سورة الغراب» سندی زنده و معتبر از تاریخ و سرگذشت کشور و مردمان باشد. آینه تمام‌نمایی که ما را در خود باز می‌تاباند. ✓ جهت دسترسی به متن کامل این نقد از "پرتو نوری علا" به آدرس وبسایت زیر مراجعه نمایید ✓ <https://bit.ly/2KnWSLX>: به بخشهایی از نقد این رمان که توسط "بهزاد کشمیری‌پور" نوشته شده است توجه بفرمایید: سوره‌الغراب رمانی چند لایه است؛ کاری است فکر شده و به غایت دقیق که بیش از آنکه خواننده شدن را از خواننده طلب کند، تفکر برانگیز است؛ دعوتی است به بازخوانی احکامی که شخصیت تاریخی و فکری ایرانیان را می‌سازد. در لایه‌های آشکار و پنهان این رمان تاریخ و افسانه و باورهای کهن ما از منظری دیگر دیده و به نمایش گذاشته شده است. مسعودی در رمانش شهری را توصیف می‌کند که ساکنانش برای «جبران فروافتادگی خود»، به گذشته‌اش «عظمت مایوس‌کننده‌ای ... نسبت می‌دهند.»؛ رمان سوره‌الغراب از هشت بخش تشکیل شده که هر بخش آن به تعدادی "آیه" کوتاهی و بلند تقسیم شده‌اند. در ابتدای رمان آیه‌ی ۲۳ سوره البقره نقل شده که می‌گوید: «اگر از آنچه بربنده خویش نازل کرده‌ایم به‌شک اندرید، سوره‌ای مانند آن بیارید. "سوره کلاغ" مسعودی ادعای نویسنده در هم‌آوردی با قرآن نیست؛ پیشنهادی است برای بردن از باورهای و یقین‌های سست و نیندیشیده از زبان کلاغی که سرگذشت تلخ و اندوه‌بار یک قوم را روایت می‌کند. با همین رویکرد "کلاغ" مسعودی هم‌زمان از زبان چند شخصیت اصلی رمان نیز سخن می‌گوید. این ترتیب تردید در فهم تلقینی و شعاری از واقعیت وجودی خود، و به چالش کشیدن تمام یقین‌هایی که از آسمان و زمین بر انسان نازل و تحمیل شده در قالب سوره‌ای از زبان کلاغ بیان می‌شود. این سوره‌ای "مانند" سوره البقره نیست که شکاکي نازل کرده باشد؛ خطابه‌ای است در نفی پاسخ‌های از پیش آماده، و تردید و پرسشی است بی‌انتهای در برابر تمام آن چیزهایی که نیندیشیده، پذیرفته و ستایش می‌شود. ساختار رمان بسیار دقیق، شفاف، موجز و تاثیرگذار است. در سوره‌الغراب اشاره‌های فراوانی به وضعیت جامعه‌ی ایران پس از انقلاب وجود دارد. مثلاً جایی که از زبان کلیشه‌ساز چاپخانه درباره چادر سرکردن زنها آمده: «چادر، نه این که آدم نمی‌داند چیزهای زیرش دقیقاً چه شکلی‌اند، بدتر آدم را خیالاتی و حالی به حالی می‌کند. برای همین آنقدر ذوق کردم که همه سر کردند... کاش روزی برسد که ما هم سر کنیم. حیف است زنها از لذت تخیل محروم بشوند.» (ص ۱۲۴) به رغم چنین اشاره‌هایی، زمان در رمان مسعودی به گستره تاریخ است و مکان، جایی که می‌تواند خیلی جاها باشد. همین ویژگی باعث شده که "سوره الغراب" پس از سه دهه همچنان تر و تازه باشد.

<https://castbox.fm/episode/id۵۴۶۷۵۳۰-۱۶۰۸۸۱۰۵۳۳?country=fr>